

آرتور شنیتسلر

بازی در سپیده دم

و

رؤیا

ترجمه علی اصغر حداد



انتشارات دیوار

سرشناسه : شنیسلر، آرتور، ۱۸۶۲ - ۱۹۳۱ م. Schnitzler, Arthur
 عنوان و نام پدیدآور : بازی در سپیده دم و رؤیا / آرتور شنیسلر؛ ترجمه علی اصغر حداد.
 مشخصات نشر : تهران، نیلوفر، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری : ۲۱۲ ص.
 شابک : 978-964-448-432-2
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 عنوان دیگر : رؤیا.
 موضوع : داستان های کوتاه آلمانی - قرن ۲۰ م.
 شناسه انزوده : حداد، علی اصغر، ۱۳۲۳ - مترجم.
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ . ۸۵۲ ۱۵ / ۲۶۷۴ PT
 رده بندی یبری : ۸۴۴/۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۰۲۹۶۷۰



انتشارات نیلوفر، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

آرتور شنیسلر

بازی در سپیده دم و رؤیا

ترجمه علی اصغر حداد

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹

چاپ دیا

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۴۳۲-۲

۴۵۰۰ تومان

www.ketab.ir

فهرست

.....	پیش‌گفتار مترجم
۱۱	بازی در سیده‌دم
۱۰۵	رؤیا
۱۹۷	پس‌گفتار مترجم

پیش‌گفتار مترجم

در میان مجموعه آثار آرثر شنیترسler^۱، ادیب صاحب سبک اثریشی، به بیش از بیست‌ودو نمایشنامه، هشت ناول و تعداد بسیار زیادی داستان بلند و کوتاه برمی‌خوریم، اما تعداد رمان‌های او از عدد سه فراتر نمی‌رود. این سه رمان عبارتند از «خانم برتا کارلان»^۲، «راه به بیرون»^۳ و «ترزه»^۴ که به ترتیب در سال‌های ۱۹۰۰، ۱۹۰۸ و ۱۹۲۸ نوشته شده‌اند. بلندترین آن‌ها «راه به بیرون» است که تقریباً سیصد صفحه‌ی چاپی را دربر می‌گیرد. «ترزه» هم تقریباً ۲۵۰ و «خانم برتا کارلان» ۱۲۵ صفحه است. وقتی این سه رمان را با حجم ناول‌ها، داستان‌ها و نمایشنامه‌های او مقایسه می‌کنیم، به روشنی می‌بینیم که این نویسنده‌ی پرکار و درونگرا علاقه‌ی چندانی به نوشتن آثار بلند نداشت و بیشتر راغب بود در حجمی فشرده به حالات و تأثرات لحظه‌ای شخصیت‌های خود بپردازد و لحظه‌ها را شکار کند.

دو ناول «رؤیا»^۵ و «بازی در سپیده‌دم»^۶ که اکنون ترجمه‌ی فارسی آن‌ها را پیش رو دارید، برای نخستین بار در سال ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ منتشر شدند و از آثار متأخر شنیترسler هستند. در «بازی در سپیده‌دم» شنیترسler یک بار دیگر به موضوع مورد علاقه‌ی خود، برد و باخت، ضرورت و تصادف، آرزو و واقعیت، می‌پردازد

1. Arthur Schnitzler

2. Frau Berta Garlan

3. Der Weg ins Freie

4. Threse

5. Traumnovelle

6. Spiel im Morgengrauen

و درگیر و دار آن مسئله‌ی بالا و پست زندگی را مطرح می‌کند و در عین حال بر تهی بودن آن انگشت می‌گذارد. شنیتسلر پیش‌تر در نوول‌های «ستوان گوستل»^۱ (۱۹۰۰) و «فرولاين الزه»^۲ (۱۹۲۴) هم مانند «بازی در سپیده دم» به موضوع بی‌محتوایی «شرافت نظامی» و «عشق آرمانی» در جامعه‌ی اشرافی اتریش در قرن نوزدهم پرداخته بود.

«رؤیا» مشهورترین و چه بسا پخته‌ترین اثری است که شنیتسلر در آن به روانکاوی شخصیت اثر خود می‌پردازد. اهمیت این اثر به حدی است که آن را تالی ادبی آموزه‌های زیگموند فروید نامیده‌اند. استانی کوبریک، کارگردان برجسته و فقید سینما فیلم مشهور خود «چشمان باز - بسته»^۳ را بر مبنای این نوول ساخت و نام و آوازه‌ی آن را دوچندان کرد.^۴

Traumnovelle اسمی است مرکب از Traum به معنی خواب، رؤیا، خیال، آرزو، و Novelle (ایتالیایی novella) در اصل به معنی خبر یا مطلب تازه است و امروزه به گونه‌ای داستان بلند یا رمان کوتاه اطلاق می‌شود که تنها از یک شاخه‌ی اصلی تشکیل شده و در متنی نسبتاً فشرده که جایی برای حاشیه‌پردازی چندانی نمی‌گذارد، به ماجرای با نقطه اوجی مشخص می‌پردازد و داستان را به سرانجام می‌رساند.

شنیتسلر نویسنده‌ای پرکار، بسیار دقیق و منظم بود، تا جایی که طرح‌های اولیه و به اصطلاح مشق‌های مقدماتی کارهای خود را با وسواس حفظ می‌کرد. زیرا آن‌طور که خود در وصیت‌نامه‌اش درباره‌ی آثار و نوشته‌های منتشر نشده‌اش آورده است، این مطالب را لااقل از جنبه‌ی روانشناسی نگارش (هم‌چنین آسیب‌شناسی روانی!) جالب توجه می‌دانست. به واقع وجود این طرح‌ها و نوشته‌ها برای

۱. رجوع کنید به «مجموعه‌ی نامریی»، ترجمه‌ی همین قلم، نشر ماهی.

۲. رجوع کنید به «گریز به تاریکی»، ترجمه نسرین شیخ‌نیا (دانش‌پژوه)، نشر ماهی.

3. Eyes Wide Shut

۴. در مورد شرح زندگی شنیتسلر، نقد نوول‌ها و مقایسه‌ی «رؤیا» با فیلم کوبریک رجوع کنید به پس‌گفتار همین کتاب.

پژوهشگران آثار او این امکان را فراهم آورده است که شیوهی کارش را دقیقاً پیگیری کنند. شنیتسلر ایده‌ی اولیه‌ی آثار خود را معمولاً در قالب یادداشتی کوتاه و اغلب چندسطری روی کاغذ می‌آورد. سپس نسخه‌ی اولیه‌ای را که بر مبنای این یادداشت‌ها می‌نوشت، عمداً بایگانی می‌کرد (در سال‌های نخست به صورت دست‌نوشته، بعدها در قالب متنی تایپ‌شده که به منشی خود دیکته کرده بود). پس از گذشت زمانی طولانی، اغلب بعد از چند سال، دوباره به سراغ آن می‌رفت و با خطی به سختی تشخیص‌دانی حواشی بسیاری بر آن می‌نوشت. متنی را که به این شکل فراهم می‌شد، دوباره روی کاغذ می‌آورد یا به منشی خود دیکته می‌کرد و این روند را چند بار تکرار می‌کرد تا سرانجام متنی درخور انتشار به دست می‌آمد. به این ترتیب چه‌بسا کار روی هر یک از آثار او چند سال به درازا می‌کشید و احتمالاً متن نهایی با یادداشت‌های اولیه از هر لحاظ فرق داشت.

نوول «ماجراجو»^۱ در این زمینه مثال بسیار خوبی است. شنیتسلر این نوول را نخست در سال ۱۹۰۲ به عنوان نمایشنامه‌ای منظوم و پنج‌پرده‌ای طراحی کرد. اما فرم اولیه‌ی آن در سال‌های ۱۹۰۹، ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ دستخوش دگرگونی‌هایی شد و سرانجام در سال ۱۹۲۵ نخستین قالب داستانی آن به روی کاغذ آمد و در ماه‌های نخست سال ۱۹۲۸ توسط منشی تایپ شد. ولی شنیتسلر هرگز آن را به پایان نرساند و به ناچار این اثر بعدها به صورت ناتمام در جلد دوم مجموعه آثار داستانی او به چاپ رسید. در این زمینه نوول «پسر»^۲ هم مثال خوبی است. این نوول که در سال ۱۸۹۲ منتشر شد، متن اولیه‌ای است که شنیتسلر بعدها، تقریباً چهار دهه بعد، بر مبنای آن رمان «ترزه» را نوشت. یقیناً نوول «ستوان گوستل» که نگارش آن فقط پنج روز طول کشید (از ۱۳ تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۰) از این لحاظ یک استثنا است.

شنیتسلر نه فقط داستان‌نویس، که در ضمن نمایشنامه‌نویسی زبردست است. در کشورهای آلمانی‌زبان کم‌تر نمایشنامه‌نویسی هست که آثارش در قرن گذشته

به اندازه‌ی نمایشنامه‌های شنیتسلر به نمایش درآمده و مورد توجه قرار گرفته باشد. شنیتسلر در عرصه‌ی نمایشنامه‌نویسی هم با وسواسی خاص عمل می‌کرد. آنچه در مورد نگارش آثار داستانی او گفته شد، به همان میزان (و چه بسا به گونه‌ای بارزتر) در مورد نمایشنامه‌هایش صادق است. روند نگارش هر یک از نمایشنامه‌های او سال‌ها، و گاهی حتی بیش‌تر از یک دهه، به درازا می‌کشید. به عنوان مثال نگارش نمایشنامه‌ی تراژیک - کمدی «سرزمین پهناور»^۱ که در سال ۱۹۱۰ به سرانجام رسید، در سال ۱۹۰۱ آغاز شده بود. مثالی دیگر نمایشنامه‌ای است که در سال ۱۹۰۰ طراحی شد و نخست عنوان آن «مردان مجرد»^۲ بود. شنیتسلر بعدها عنوان این نمایشنامه را تغییر داد و آن را «خودخواه‌ها»^۳ نامید. ولی کار به همین جا ختم نشد، بلکه شنیتسلر باز روی این اثر کار کرد و از دل آن دو نمایشنامه‌ی کاملاً مستقل از هم به نام‌های «راه تنها»^۴ و «پروفسور برنহারدی»^۵ بیرون کشید.

در میان آثار منتشر نشده‌ی شنیتسلر چندین نوول و تعداد بیشماری داستان و نمایشنامه، برخی کامل و برخی ناتمام، وجود دارد. او خود در وصیت‌نامه‌اش به این آثار با دیدی نقادانه برخورد کرده و به ویژه دست‌نوشته‌های دوران نوجوانی خود را کم‌ارزش و خیال‌پردازانه خوانده است، ولی آن دسته از آثار متأخر خود را هم که شخصاً منتشر نکرده از این قاعده مستثنی ندانسته است.*

آرتور شنیتسلر در پانزدهم ماه مه ۱۸۶۲ در وین به دنیا آمد و در بیست و یکم اکتبر ۱۹۳۱ در زادگاهش درگذشت.

1. *Das Weite Land*2. *Junggesellen*3. *Egoisten*4. *Der einsame Weg*5. *Professor Bernhardi*

* برگرفته از توضیحات پایانی کتاب: